

پژوهش‌های مورخان شوروی

علل بحران‌های اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره حکومت صفویان

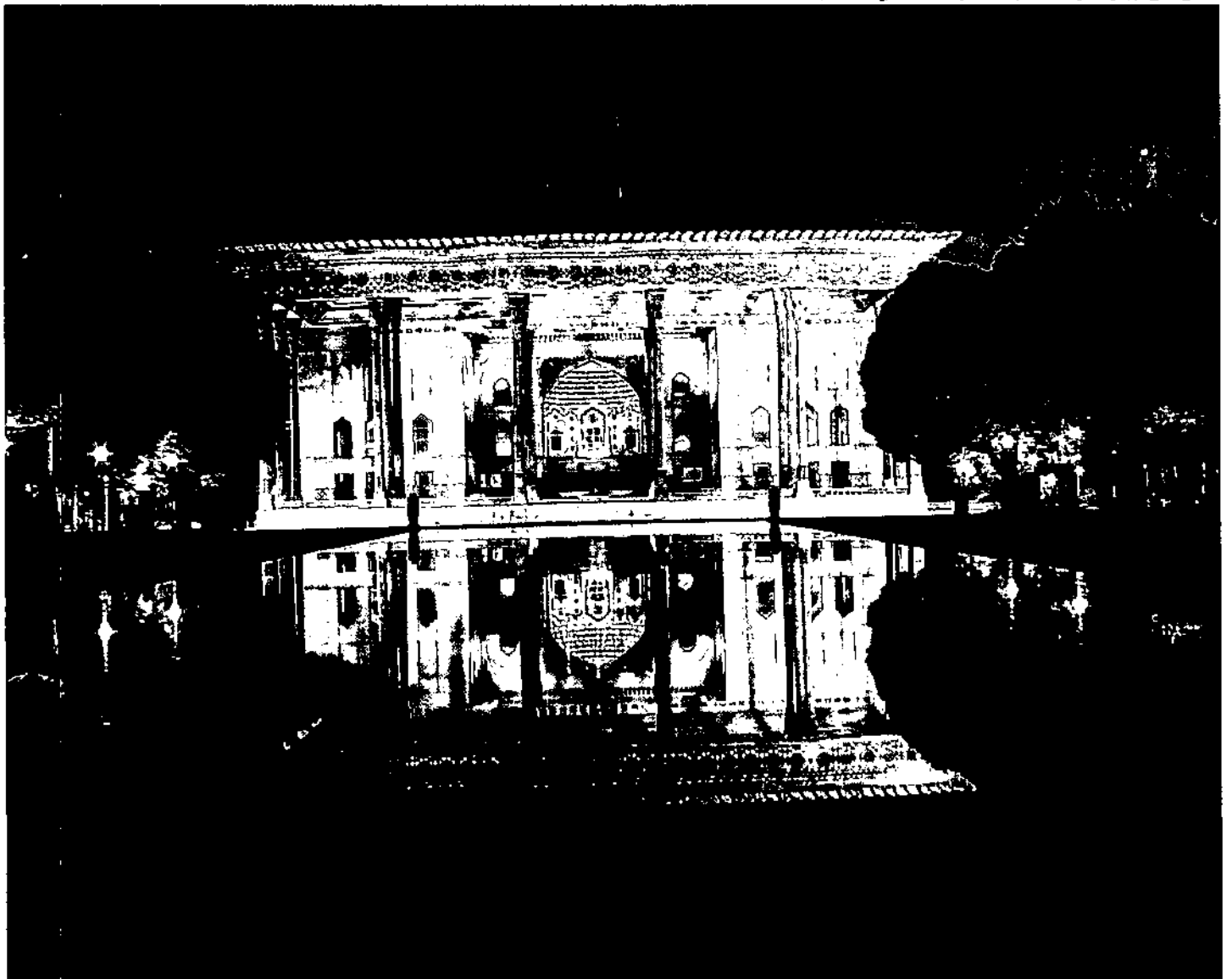
○ دکتر سید هاشم آغاچری

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

مشخصی از پژوهش‌های صفویه‌شناسی مورخان شوروی در اختیار نمانند. در مقاله حاضر^۱ معرفی و مروری اجمالی بر برخی از آن پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است. بدان امید که مترجمی زبان‌دان و تاریخ‌دان کمر همت بریندد و با برگردان اصل کتاب‌ها و تحقیقات از روسی به فارسی، استادان و دانشجویان تاریخ کشور را از آنها بهره‌مند سازد.

محققان شوروی سابق بحران‌های ایران در نیمه دوم عصر صفوی (نیمه دوم سده یازدهم و نیمه اول سده دوازدهم هجری/ نیمه دوم سده هفدهم و آغاز سده هیجدهم میلادی) را در چهارچوب بحران فتودالیستی مورد توجه قرار داده و تحقیقات متعددی را در این زمینه به رشته تحریر درآورده‌اند. اهمیت این موضوع برای آنان، بویژه از این حیث مطرح است که پیوند مستقیمی با تاریخ معاصر ایران و امر پیشرفت کشورهای اروپایی و آسیایی در آن زمان دارد و با مسائلی از قبیل توضیح تحول ویژه کشورهای خاوری و «عقب‌ماندگی شرق» و ایضاً شرایطی که برای گسترش مناسبات سرمایه‌داری ایران در آینده وجود دارد ارتباط پیدا می‌کند. موضوع سقوط حکومت صفوی در تحقیقات اروپاییان و «تاریخ‌نگاری بورژوازی» نیز مورد توجه قرار گرفته است. اثر بالنسبه مشهور مورخ انگلیسی، لورنس لاکهارت تحت عنوان سقوط سلسله صفوی و اشغال ایران بوسیله افغانها^۲ در سال ۱۹۵۸ منتشر شده است. لاکهارت در ربط با علل و عوامل سقوط صفویان بیشتر به مسائل مذهبی و کاهش تدریجی اهمیت مسائل مذهبی که پایه حکومت بوده و به نظر مؤلف قدرت و توان دولت را به تحلیل می‌برد، ناتوانی و ضعف شخصی جانشینان شاه‌عباس یکم و موضوعاتی از این قبیل پرداخته است. محققان ایرانی نیز توجه اندکی به فرآیندها و تحولات اجتماعی و رشد و ترقی داخلی ایران کرده‌اند.^۳

پژوهش‌های تاریخی مورخان شوروی سابق در باب ایران عصر صفوی، از دیدگاه منطق تاریخ‌نگاری و مبانی تئوریک و روش‌شناختی تحقیق تاریخی دو ویژگی عام و کاراکتریستیک دارد. از یک سو براساس منطق دیامات (دیالکتیک ماتریالیستی)^۴ و دوره‌بندی فرم‌اسیون‌های اقتصادی - اجتماعی^۵ پنجگانه از کمون اولیه و برده‌داری تا فتودالیسم، سرمایه‌داری و سوسیالیسم، عصر صفوی را ذیل دوره فتودالیسم طبقه‌بندی کرده و مسائل و موضوعات ایران صفوی را در ربط با منطق مضمونی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. این رهیافت، ریشه در تملقات ایدئولوژیک - مارکسیستی تاریخ‌نگاری شوروی دارد. از سوی دیگر، علیرغم مبانی طبقاتی و صیغه غیر ملی ایدئولوژی، تمام جنبش‌های تجزیه‌طلبانه یا مرکزگریز، قبیله‌ای و محلی را زیر عنوان «جنبش‌های ملی یا آزادیبخش» قرار داده و با لحن ستایش‌آمیزی از آنها یاد می‌کنند. علت این امر را باید در تملقات سیاسی و استراتژی گسترش قلمرو امپراتوری سوسیالیستی به کشورها و سرزمین‌های همجوار و از جمله ایران از زمان استالین به بعد، جست‌وجو کرد. صرف‌نظر از این دو خصلت عام، که واقع‌بینی و داوری علمی در پژوهش‌های تاریخی محققان و آکادمیسین‌های شوروی سابق را مخدوش کرده است، عطف نظر تاریخ‌نگاری شوروی و بطور کلی مارکسیستی به حوزه‌های اقتصادی - اجتماعی - تاریخ تا حدود زیادی خلاء یا کم‌توجهی معمول در تحقیقات اروپاییان به حوزه‌های مذکور را پر کرده و برای پژوهشگران و دانشجویان ما می‌تواند الهام‌بخش باشد. از آنجا که جز چند کتاب عمومی یا خاص در باب تاریخ ایران، آثار اندکی از مورخان و محققان شوروی سابق به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده و با توجه به اینکه دانشجویان و اغلب محققان ایرانی، آگاهی



کتاب ماه تاریخ و جغرافیا / آبان و آذر ماه ۱۳۷۹

اساسی‌ترین عاملی که موجب اقتدار ایران در این دوره شد افزایش میزان قدرت اقتصادی خاندان شاه بود. زاخادر با چنین تحلیلی از خاندان صفوی، رویکردی متفاوت با پژوهشگران غربی و «بورژوازی» از قبیل والتر هیتس^۲ را به نمایش می‌گذارد.

در عصر صفوی شکوفایی اقتصاد و رشد تجارت و صنعت موقت بود و زاخادر علت آن را استثمار کارگران از سوی خان‌ها و بیگ‌ها و دولت فتودالی می‌داند که به تدریج تولید را فلج و اساس دولت را ویران ساخت.^۳ زاخادر در پژوهش‌های صفویه‌شناسی خود به سقوط دولت صفوی اهمیت وافری بخشیده است. امری که از نظر او خروج‌های جنایی طلبانه اشراف فتودالی و رشد شورش‌های ضد دولت صفوی نشانگر آن بوده است.

یکی از مراحل مهم در پیشرفت پژوهش‌های شرق‌شناسی و صفویه‌شناسی شوروی، تحقیقات پروفسور دانشگاه لنینگراد، پتروشفسکی^۴ (Petrushevsci. I. P.) است. او آغازگر طرح مسائل تئوریک - تاریخی برخی از موضوعات اجتماعی - اقتصادی ایران «فتودالی» و دیگر کشورهای همجوار آن محسوب می‌شود. پتروشفسکی در اثر تحقیقی خود رساله تاریخی مناسبات فتودالی در آذربایجان و ارمنستان در قرن ۱۶-۱۴ م. و کشاورزی و مناسبات زمینداری در ایران قرن ۱۴-۱۳ م. به پژوهش درباره روابط کشاورزی و چگونگی مالکیت بر زمین و معیارهای زمینداری پرداخته و به تکامل نهادهای فتودالی و تشکیلات و نظام داخلی اراضی فتودالی و اشکال استثمار دهقانان و کشاورزان اهمیت فراوانی داده است. او با تکیه بر اسناد و مدارک تاریخی به این نتیجه رسیده است که در ایران، آسیای میانه و سرزمین‌های عربی، املاک فتودالی که واحد اقتصادی را همچون غرب، مشخص می‌ساخته وجود

**محققان شوروی سابق
بحران‌های ایران در
نیمه دوم عصر صفوی
(نیمه دوم سده یازدهم
و نیمه اول دوازدهم
هجری / نیمه سده
هفدهم و آغاز سده
هیجدهم میلادی) را در
چهار چوب بحران
فتودالیستی
مورد توجه قرار داده و
تحقیقات متعددی را
در این زمینه
به رشته تحریر
درآورده‌اند**

اما ویژگی برجسته آثار مورخان شوروی، توجه به پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، چنانکه مارتین دیکسن، نویسنده کتابی درباره شاه‌طهماسب یکم، ضمن مقاله‌ای تحلیلی راجع به کتاب لاکهارت، اینچنین می‌نویسد: «به استثنای افراد معدودی از دانشمندان اروپایی غربی به‌ویژه پرفسور مینورسکی، در حال حاضر در زمینه پژوهش در باب صفویان، محققان شوروی سابق پیشرو هستند. در واقع تمام ایران و مناطق مجاور آسیای میانه خیلی سریع زیر تأثیر محققان شوروی سابق قرار می‌گیرند و هیچ کار پژوهشی درباره صفویان بویژه ابعاد اقتصادی - اجتماعی آن بدون مراجعه به مقالات و کتاب‌های پتروشفسکی، میکلوخو - ماکلای، کرد لفسکی، علی‌زاده، آرونووا، آروتانین، اشرافیان، فیروز، پاپازیان، ریسنر، شاحمالی او! نمی‌تواند به صورت جدی انجام شود»^۵.

بررسی پژوهش‌های مورخان شوروی نشان می‌دهد که روش‌های آنان در تحلیل و آنالیز داده‌های تاریخی و کشف فرآیندهای داخلی و دورنمای ایران عصر صفوی بر متدلوژی مارکسیستی - لنینیستی متکی است. از جمله این پژوهش‌ها باید از تحقیق پروفسور زاخادر (Zakhader B. N.) در مورد سلسله صفوی نام برد. فصل مربوط به صفویان در کتاب تاریخ شرق قرون وسطی، منتشر شده در سال ۱۹۴۴ م. و دیگر تألیفات او شامل بررسی و تحلیل تحولات اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره صفوی است. زاخادر این دوره را به مثابه دوره شکوفایی دولت فتودالی در ایران تلقی کرده و بر این نظر است که پیشرفت و استحکام دولت فعال شدن اقتصاد، اتحاد مناطق گوناگون کشور یا یکدیگر و تقویت نیروهای نظامی و جنگی بویژه در سلطنت شاه عباس یکم ۱۶۲۸/۱۵۸۷ م (۹۹۶.۱۰۳۸ ه.) به این امر کمک شایانی کرده است. از دیدگاه نویسنده

یکی دیگر از کارهای
میکلوخو - ماکلای
که از دیدگاه
تحولات اجتماعی و
ایدئولوژیکی
تاریخ صفویان
دارای اهمیت است،
پژوهش او در باب تشیع،
مذهب رسمی
دولت صفوی است

تاریخ ایران

از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی

د. و پیکولوسکا
آ. یو. یا کوپوسکی
ای. پ. پتر و تشکی
آ. م. پانتسکی
ل. و. استروفوا

ترجمه کریم کشاورز



پرس
ایران ۱۳۵۲

پطروشفسکی
یکی دیگر از علل سقوط
دولت صفوی را تغییر جاده‌های اصلی
تجاری میان اروپا و آسیا
در اثر دستیابی اروپائیان
به راه دریایی دماغه امید نیک
در جنوب آفریقا می‌داند

گردید. ریسر علت اصلی عقب‌ماندگی را در استثمار شدید کشاورزان از سوی فتودال‌ها می‌بیند. این استثمار سرچشمه زور و حاکمیت مضاعف فتودال‌ها بر کشاورزان و ظهور نخستین علایم بورژوازی بود. این وضع به حفظ استثمار فتودالی و ایجاد مشکلاتی برای انتقال به نظام سرمایه‌داری کمک کرد و شرایط رکود بازار در جوامع فتودالی شرق را فراهم آورد.^{۱۸}

ورشکستگی اقتصادی کشاورزان به مثابه علت اصلی افول حیات اقتصادی ایران در دوره صفوی، موضوعی است که در پژوهش‌های اشرافیان نیز انعکاس یافته است.^{۱۹} دانشمند لنینگرادی، میکلوخو-ماکلای (Miklokh Maclay, N. D.) نیز پژوهش‌های فراوانی را صرف مطالعه مسائل و مشکلات فتودالیسم «دیررس» در ایران کرده است. مقاله میکلوخو - ماکلای تحت عنوان «حاکمیت افغانها در ایران در دهه بیست قرن هجدهم»^{۲۰} ارتباط مستقیمی با این مسأله دارد.

در این مقاله زمان سقوط جوامع فتودالی در ایران مشخص می‌شود. یعنی زمانی که اقتصاد کشور ناگهان سقوط می‌کند و نظام دولتی فرو می‌ریزد (اواخر قرن هفدهم میلادی). مهم‌ترین جنبه این مقاله تشریح شورش‌هایی است که در دهه اول قرن هفدهم تقریباً تمام نقاط قلمرو صفوی را فرا می‌گیرد و خروج قبایل افغانی یکی از آنهاست که مورد اشاره قرار گرفته است.^{۲۱} مؤلف مقاله به این واقعیت توجه می‌دهد که اشراف افغانی که در ایران حاکم شدند از نظر میزان رشد اجتماعی و سیاسی از صفویان مغلوب پایین‌تر بودند و در نتیجه خود را ناگزیر می‌دیدند که از نظام ستمگری و تمام اشکال اداره دولتی آنان تقلید کنند.^{۲۲} یکی از کارهای مهم این دانشمند انتشار منابع و متون خطی بود. او اسناد و مدارک تازه‌ای را در بررسی مسائل مربوط به صفویه برای پژوهشگران شوروی سابق گشود. کار وی بر روی کتاب محمد کاظم مروی بنام عالم‌آرای نادری نشان داد که در این منبع تاریخی شواهد زیادی از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی وجود دارد که باعطف توجه بدانها می‌توان آخرین مرحله دوره صفوی را ارزیابی کرد. میکلوخو - ماکلای کوشیده است تا براساس این کتاب «مبارزات آزادیخواهانه قبایل و طوایف» را در قندهار، هرات و سایر مناطق مورد تأکید و شناسایی قرار دهد.

یکی دیگر از کارهای میکلوخو - ماکلای که از دیدگاه تحولات اجتماعی و ایدئولوژیکی تاریخ صفویان دارای اهمیت است، پژوهش او در باب تشیع، مذهب رسمی دولت صفوی است.^{۲۳} اقدامات صفویان در عرضه تشیع به عنوان یگانه مذهب، بر اکثر مردم کوچ‌نشین و قبایل قزلباش، بیشتر با اهداف سیاسی ارتباط داشت. این امر برای استحکام دولت ضروری بود و بدینوسیله آن را قادر می‌ساخت تا با مخالفان و دشمنان سیاسی (خارجی و داخلی) مبارزه کند. سیاست صفویان نه تنها بر ضد مذاهب غیر شیعی بلکه علیه دیگر فرقه‌های

نداشته اما تأکید می‌کند که علیرغم عدم وابستگی ظاهری دهقانان به مالکان، درجه و شدت استثمار آنان بسیار بالا بوده است. او همچنین کوشیده است تا در ارتباط با شورش‌های شهرنشینان علیه حکومت «فتودالی» ایران، مدارک و اطلاعاتی را به پژوهشگران ارائه کند.^{۲۴}

پطروشفسکی در کتاب خود به نام اسلام در ایران، قرون هفتم تا پانزدهم^{۲۵} که در سال ۱۹۶۶ م. منتشر شد، به علل اصلی شورش‌های ایدئولوژیک روستائینان و شهرنشینان

علیه ستمگری «فتودالی» توجه زیادی کرده است. پطروشفسکی با تکیه بر دیدگاه مارکسیستی - لنینیستی به بررسی جنبش‌های روستائیان پرداخته و از همین منظر علل ضعف و انحطاط دولت صفوی را ارزیابی کرده است. او افول و نزول اقتصاد ایران در اواخر نیمه دوم قرن هفدهم را یکی از مهم‌ترین علل ورشکستگی و فقر کشاورزان - که زیربنای جامعه فتودالی بوده‌اند - به شمار می‌آورد و می‌نویسد: «کشاورزی که مجبور بود نه تنها محصولات اضافی بلکه بخش عمده خورد و خوراک خود را هم بدهد، ورشکست شد. همزمان با این، اقتصاد بزرگ زمین‌داری که در غرب اروپا و روسیه وجود داشته، در کشورهای آسیایی بوجود نیامده و در کشاورزی نیز رشد سرمایه‌داری مشاهده نمی‌شد از اینرو ورشکستگی کشاورزان، جز بحران اجتماعی - اقتصادی نتیجه دیگری نمی‌توانست داشته باشد همانطور که در انگلستان قبل از عصر پس‌انلاز ابتدایی دیده می‌شود.»^{۲۶} او یکی دیگر از علل سقوط دولت صفوی را تغییر جاده‌های اصلی تجاری میان اروپا و آسیا در اثر دستیابی اروپائیان به راه دریایی دماغه امیدنیک در جنوب آفریقا می‌داند. از نظر وی این امر موجب تنزل سطح تجارت داخلی ایران و متعاقب آن کاهش سود خزانه شاه و اشراف فتودالی شد. در نتیجه کاهش درآمدهای مذکور قدرت نظامی صفویان نیز رو به ضعف گذاشت. با اینکه رساله‌های پطروشفسکی در باب تاریخ مناسبات فتودالی در حدود دهه پنجاه میلادی نوشته شده اما در تاریخ‌نگاری شوروی آثاری عمیق و دیرپا از خود برجای گذاشت.^{۲۷}

یکی دیگر از کسانی که مسائل دولت صفوی را مورد توجه قرار داده مورخ و شرق‌شناس معروف شوروی، ریسر (Reysner, I. M.) مؤلف مقاله «سقوط قدرت صفوی و تاخت و تاز افغان‌ها در ایران طی سال‌های (۱۶۲۹-۱۷۲۲ م)» است.^{۲۸} او با ایضاح علل افول اقتصاد دولت صفوی، متذکر مسأله استثمار کشاورزان از سوی فتودال‌ها در اواخر قرن هفدهم میلادی می‌شود که به سبب وضع مالیات‌های سنگین و افزایش تأثیر رباخواران به وجود آمده بود.^{۲۹} وی همچنین به مسأله رشد گرایش جنبایی‌طلبی عشایر کوچ‌نشین توجه خاصی مبثول می‌دارد.^{۳۰} بررسی این مسائل برای ریسر این امکان را فراهم آورده است که به مسائل عام‌تر، یعنی مسأله عقب‌ماندگی کشورهای شرقی بطور کلی، بپردازد. طرح این مسأله در دهه پنجاه میلادی به نوبه خود مهم بود و موجب توجه پژوهشگران شوروی به قانونمندی رشد و پیشرفت کشورهای شرقی

پطروشفسکی در آثار خود
به پژوهش درباره روابط
کشاورزی و چگونگی
مالکیت بر زمین و
معیارهای زمینداری پرداخته
و به تکامل نهادهای
فئودالی و تشکیلات و
نظام داخلی اراضی فئودالی
و اشکال استثمار دهقانان و
کشاورزان اهمیت فراوان
داده است

ایلیا پاولویچ پطروشفسکی

کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول

ترجمه کریم کشاورز

یکی از کارهای مهم
میکلوخو - ماکلای انتشار
منابع و متون خطی بود.
او اسناد و مدارک تازه‌ای را
در بررسی مسائل مربوط به
صفویه برای پژوهشگران
شوروی سابق گشود

شیمی نیز سامان یافته بود. مؤلف، اما، نتیجه می‌گیرد که
رشد تعصب مذهبی برای پیشرفت فرهنگی جامعه ایران
تأثیر منفی فراوانی داشت و موجب دشمنی کشورهای مجاور
با حیات فرهنگی و اجتماعی ایران در قرون شانزده و هفده
میلادی شد. از نظر نویسنده علمی همچون فلسفه، منطق
و علوم دقیقه رو به انحطاط گذاشت و روابط فرهنگی ایران
با آسیای میانه دچار انقطاع و توقف گردید.

یکی دیگر از آثاری که روابط اجتماعی و اقتصادی ایران

را بررسی و تحلیل می‌کند کتاب اشرافیان و آرونوا است. این کتاب با نام
دولت نادرشاه افشار^{۲۲} چاپ و منتشر شده است (۱۹۵۸). در یکی از
فصل‌های این کتاب که به صفویان اختصاص یافته، به تحول و
پیشرفت‌هایی اشاره می‌شود که در شهرها به شکل تقسیم کار بروز کرد.
همچنین ایجاد بحران در مبنای فئودالی به سبب فرآیند تجزیه جوامع
کشاورزان و ورشکستگی صنعتگران و پیشه‌وران مورد توجه قرار گرفته
است. وضعیت کشاورزان در کارهای دیگر آرونوا مورد توجه قرار گرفته
است. رساله کاندیدای دکتری او به بررسی و پژوهش این موضوع
اختصاص یافته است.^{۲۵} یکی دیگر از کوشش‌های آرونوا انتشار فرمان
نادرشاه در سال ۱۷۳۹ م (۱۱۵۲ هـ) همراه با بررسی و تفسیر آن است که
مهم‌ترین فهرست مالیات‌ها و وظایف کشاورزان در آن گنجانده شده
است. این سند مانند دیگر فرمان‌ها، سنگینی استثمار مالیاتی «ایران
فئودالی» را به وضوح نشان می‌دهد.^{۲۶}

کار پاپازیان^{۲۷} (Papazian, A. D) نیز مستقیماً به مسأله سقوط
اقتصاد ایران می‌پردازد. این پژوهش که رساله کاندیدای دکتری مؤلف
است روابط کشاورزی خانات ایران را بررسی می‌کند و شامل انبوهی از
اسناد است که برای روشن ساختن وضع کشاورزان و اشکال استثمار و
کیفیت بهره‌برداری از اراضی و زمینداری در قرن هفدهم بسیار اهمیت
دارد. فرمان‌ها و احکام تجاری که برای اولین بار مورد بررسی قرار گرفته
از دیدگاه پژوهش در تاریخ روابط اجتماعی و اقتصادی نه تنها شرق
ارمنستان بلکه تمام ماوراء قفقاز و ایران دارای ارزش وافر است. در این
پژوهش علمی بیش از سی اصطلاح مالیاتی و خراجی مورد تجزیه و
تحلیل قرار گرفته که برخی از آنها برای نخستین بار مطرح می‌شود.
مالیات‌های کلیسایی که مانند دیگر مالیات‌های دولتی اجباری بوده است
در این اثر جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. مؤلف اصطلاح
«مالوجهات» را که از آن تفسیر مشخصی ارائه شده مورد بررسی مجدد قرار
داده و نتیجه گرفته است که با این اصطلاح دو نوع مالیات بر املاک
تعیین می‌شد. «مال» یعنی تمام انواع املاک شخصی و «جهات» یا
«مثال» فقط زمین‌های کاشته شده بوده است.^{۲۸} موضوع مهم در پژوهش
پاپازیان بررسی همه جانبه مالیات «جزیه» است که از مسیحیان و اهل
کتاب اخذ می‌شد. وی ضمناً به افزایش تدریجی میزان این نوع مالیات
طی قرن هفدهم نیز اشاره کرده است. نویسنده میزان کلی مالیات را در

برخی ایالات تنظیم و تدوین کرده است. کشاورزان غیر
از این، مالیات سنگین دیگری تحت عنوان «تفاوت
جزیه» را به‌طور سرانه پرداخت می‌کردند. چنانکه حتی
در اواخر این قرن میزان این نوع مالیات از مالیات اصلی
بیشتر بوده است.^{۲۹} فرمانی که در سال ۱۷۱۰ م (۱۱۲۲ هـ)
از سوی شاه سلطان حسین، آخرین پادشاه صفوی صادر
گردید رعایا را بیش از پیش به موضوع مالیات متوجه
ساخت یا به عبارت دیگر کشاورزان را به زمین وابسته

کرد. تمام این مشکلات موجب می‌شد که توده کشاورز به عنوان اعتراض
و به سبب سنگینی مالیات، اراضی - بویژه در مناطق مرزی - را ترک گویند
و از انجام وظایف خود در برابر زمینداران امتناع ورزند.^{۳۰} برای ایضاح
مناسبات ارضی و کشاورزی در ارمنستان انتشار منابع فارسی ماتناداران
نقش مهمی دارد. پاپازیان در این زمینه نیز کوشش‌های فراوانی کرده
است. چنانکه انتشار دو جلد از اسناد ماتناداران مرهون تلاش‌های اوست.^{۳۱}
این مجموعه دو جلدی شامل اسناد ارزشمندی است که می‌تواند برای
بررسی علل سقوط دولت صفوی بسیار سودمند باشد. مقدمه‌ای که
پاپازیان بر این مجموعه نوشته، خود پژوهش مستقلی است. مؤلف با
ارزیابی وقایع سیاسی شرق ارمنستان به این موضوع اشاره می‌کند که
اسناد فارسی موجود در ایران اطلاعاتی را که از منابع دیگر بدست
آورده‌ایم تکمیل می‌کند. وی تأکید می‌نماید که اچمیادزین
(Echmeadzin) که در نیمه دوم قرن هفدهم کار خود را آغاز کرده، به
مرکز زندگی متفکرانه و ایده‌های ملی آزادی‌خواهانه تبدیل شد. اقتصاد
دیری و کلیسایی ترسایان در سال‌های سی و چهل قرن هفدهم مرحله
رشد و شکوفایی خود را طی می‌کرد. پاپازیان موضوع رشد حقوق مصونیت
کلیساهای ارامنه را به دقت مطالعه کرده است. «حقوق معافی و معافیت
روحانیون از پرداخت جزیه شریایی را فراهم آورد تا ثروت انبوهی در
اچمیادزین و دیگر مراکز کلیسایی جمع شود.»^{۳۲} مسأله‌ای که در سال‌های
اخیر ذهن پژوهشگران شوروی سابق را به خود جلب کرده یعنی رشد اخذ
مالیات ملکی، در این نوشته پاپازیان انعکاس یافته است. وی می‌نویسد:
«در توران جاثلیق فیلیپوس (Philippos) خرید املاک با پول عملاً
پایه‌گذاری شد و در دوره جانشین او اسقف اعظم آکوپا چوگازی
(Acopachugaesy) گسترش یافت. (۱۶۸۰ - ۱۶۵۵ م / ۱۰۹۱ -
۱۰۶۶ هـ)»^{۳۳} در نیمه دوم قرن هفدهم رشد و گسترش ملکداری یکی از
علامت‌بروز بحران در دولت صفوی بود.

انتشار فرامین تا حدودی می‌تواند به روشن شدن ماهیت زمینداری
عرفی و روحانی، و حل مسائل مهم مربوط به وضع اجتماعی و مطالبات
و منافع طبقاتی کمک کند.^{۳۴}

بدین ترتیب مشکلات کشاورزی، وضع اقتصادی دهقانان، مسأله
زمینداری فئودالی و سایر مسائلی که با بحران اقتصادی ایران در دوره
فئودالیسم «دیررس» ارتباط دارد در پژوهش‌های مورخان شوروی سابق

انتشار فرامین
تاحدودی می تواند به
روشن شدن ماهیت زمینداری
عرفی و شرعی، و حل
مسائل مهم مربوط به
وضع اجتماعی و مطالبات و
منافع طبقاتی کمک کند

اسلام در ایران

(از هجرت تا پایان قرن نهم هجری)

نایب

ایلیابا و لویچ بطروشفسکی

ترجمه

کریم کشاورز



۱۳۵۶ - ۱۳۵۷

حلقه اصلی و مرکزی را تشکیل می دهد.^{۲۵}

بررسی علل و عوامل سقوط اقتصاد ایران بدون تجزیه و تحلیل تحولاتی که در شهرها جریان داشته امکان پذیر نیست. در تاریخ نگاری - بویژه شرق شناسی - شوروی پیرامون شهرهای «فئودالی» تا اواسط دهه شصت میلادی کاری درخور انجام نیافته بود.^{۲۶} یکی از پژوهش هایی که به این موضوع اختصاص یافته مقاله کوزنسوف (N. A. Kuznesov) است که به بررسی مسائل زندگانی

شهرهای دوره صفوی پرداخته است.^{۲۷} ساختار اجتماعی و اقتصادی شهرهای «فئودالی» برای نخستین بار در این اثر علمی شرح شده است. مؤلف با بررسی چگونگی تشکیل کارگاه های صنعتی نتیجه می گیرد که علیرغم حاکمیت و سلطه فئودال ها بر شهرها که مانع شکل گیری مناسبات نوسرمایه داری می شده است جریان تقسیم کار بلاوقفه پیش می رفت و مراکز بزرگ تجاری و صنعتی ایجاد می شد و جریان از هم پاشیدن روابط فئودالی در شهرها بوقوع می پیوست.^{۲۸}

این موضوع یعنی از هم پاشیدن روابط فئودالی در شهرها برای پژوهش های علمی بعدی نقش مؤثری ایفا کرد. در سال ۱۹۶۷ تک نگاری تحقیقی حیدراوف (Heidarov, M. Kh) تحت عنوان تولیدات صنعتی در شهرهای آذربایجان در قرن هفدهم انتشار یافت.^{۲۹} در این پژوهش مراحل اصلی رشد تولیدات صنعتی، آمار و ساختار اجتماعی مردم شهرها تشریح شده است. مهم ترین موضوع در کار حیدراوف بررسی ساختار نهادهای صنعتی و از جمله اصناف است. اصناف نهادهای حرفه ای بودند و نه تعاون ساده دینی.^{۳۰} پیدایش این نهادها موجب مبارزه اجتناب ناپذیر صنعتگران علیه فئودال های متجاوز به قصد دفاع از منافع خود گردید.^{۳۱} در همان حال، وابستگی به حاکمیت فئودالی، ضعف سیاسی این نهادها را به همراه داشت و مانع از گذاری آن ها بر حاکمیت شهری می شد. مؤلف تغییراتی را که در نهاد و دستگاه هایی مانند «کارخانه» (کارگاه هایی بزرگی که در مالکیت شاه و فئودال ها بود) در قرن هفدهم بوجود آمد بررسی می کند. وی پس از این بررسی نتیجه می گیرد که کارخانه ها با کارگاه های پیشین - مانوفاکتورها در اشکال ابتدایی خود با تقسیم کار و صنعتگران نسبتاً آزاد که در شرایط معینی می توانستند به کارکنان مزدور تبدیل شوند - تفاوت داشت. در کارخانه تخصصی شدن روند تولیدات از اصناف بیشتر بود و این امر موجب رشد کیفیت کار شد بود.^{۳۲} اما فقدان برخی امور در کارخانه ها (در شرایط حاکمیت روابط فئودالی) امکان تبدیل آنها را به مانوفاکتورهای واقعی سلب می کرد. مهم تر از همه این فرضیه مؤلف است که می گوید در قرن هفدهم در آذربایجان مانوفاکتورهای ابتدایی با اشکال مترقی تری وجود داشت یعنی صنایع بافتنی محترکان^{۳۳} [کسانی که کالاها را عمومی را انبار می کردند تا به قیمت گزاف بفروشند]. و بر این اساس می توان گفت در آذربایجان که از نظر اقتصادی یکی از پیشرفته ترین نواحی دولت بود موجبات و پیش شرط هایی برای رشد

حل مشکلات مربوط به
سقوط دولت صفوی در
پژوهش های
محققان شوروی سابق
با موضوعاتی همچون
رشد تولیدات
صنایع کشاورزی و
وضع گروه های اجتماعی
در روستاهای ایران،
نقش شهرها و
حیات شهری،
ترکیب اجتماعی و
نتایج جنبش های
آزادی بخش مردم
پیوند می یابد.

در تاریخ نگاری
- به ویژه شرق شناسی -

شوروی، پیرامون
شهرهای «فئودالی» تا اواسط
دهه شصت میلادی کاری درخور
انجام نیافته بود. یکی از پژوهش هایی
که به این موضوع اختصاص یافته
مقاله کوزنسوف است که
به بررسی مسائل زندگانی
شهرهای دوره صفوی
پرداخته است

روابط سرمایه داری وجود داشته است. رکود اقتصاد و کشاورزی عمومی که در اواخر قرن هفدهم آغاز شده و در شهرها نیز گسترش یافته بود مانع پیشرفت نیروی تولیدی در شهرها می شد. جمعیت تجار و صنعتگران کاهش می یافت. کارخانه ها اعتبارشان را از دست می دادند و کیفیت تولیدات صادراتی افت می کرد.^{۳۵}

حیدراوف اشاره می کند که فئودال ها با گرفتن تمام اضافه محصول صنعتگران، اساس و ریشه بازده تولیدی را قطع می کردند و نیروهای تولیدی را ویران می ساختند.^{۳۶} در بیشتر شهرها، جمعیت به چند برابر کاهش می یافت و در نتیجه به صورت روستاهای معمولی درمی آمدند.^{۳۷} حیدراوف افول تولیدات صنعتی را با کاهش نیروهای تولیدی کشاورزی مرتبط می داند. کاهش مزارع کشت گیاهان صنعتی که مواد خام تولیدات صنعتی را به عمل می آوردند بر موضوع بالا تأثیر منفی می گذاشت. وی همچنین به تغییر راه های تجاری که موجب کاهش تولیدات صنعتی و تجاری می شد اشاره می کند. در اواخر دهه شصت مجموعه ای از پژوهش ها درباره مشکلات شهرها منتشر شد. چنانکه در اثر کوتسیا (Kuchia. K. K) چگونگی رشد تجارت در شهرهای ایران دوره صفوی تشریح شده است. وی نشان می دهد که چگونه در نتیجه تکمیل و تعمیق تقسیم کار میان شهر و روستا و تخصصی تر شدن مراکز بزرگ صنعتی در شهرها تجارت رشد پیدا می کند.^{۳۸} یکی از خدمات کوتسیا اثبات وجود تعاون بازرگانی در شهرها برای دفاع از منافع بازرگانان است. مؤلف زمان پیدایش این تعاونی ها را اواسط قرن هفدهم می داند. این امر در جای خود نظریه از هم پاشیدن روابط فئودالی در شهرهای آن زمان را تأیید می کند. مؤلف آنجا که از سقوط اقتصاد دولت صفوی سخن می گوید آن را با کاهش تولیدات صنعتی در شهرها و کاهش تجارت در اثر سنگینی بار مالیات مرتبط می داند. همچنانکه علت دیگر سقوط دولت را در این می داند که اکثریت قریب به اتفاق بازرگانان به جای اینکه سرمایه خود را برای توسعه عملیات تجاری به جریان اندازند آن را صرف خرید املاک و اراضی می کردند (مؤلف این گروه از جمعیت شهری را بازرگانان - ملکنار می نامد) و یا اینکه سرمایه خود را به کشورهای مجاور ایران انتقال می دادند.^{۳۹} کوتسیا به مسائلی همچون مبارزه اجتماعی در شهرهای دولت صفوی نیز توجه دارد. در مقاله او موضوع جنبش نقطویان و چگونگی ایندولوژی آنان مورد بررسی قرار گرفته است. او در این زمینه می نویسد: نقطویان با نفی جزمیت و دگماتیسم در واقع دولت، شخصیت صدور و اشرافیت فئودالی را نفی می کردند و به مبارزه با دولت فئودالی صفویان و ایندولوژی رسمی آن می پرداختند.^{۴۰}

اقتصاد باکو در کتاب آشور بایلی (Ashurbaily. S) مانند دیگر پژوهش ها افزایش مالیات عمومی در اواخر قرن هفدهم و اوایل نیمه نخست قرن هیجدهم را نشان می دهد.^{۴۱}

دولت نادر شاه افشار

ترجمه: حمید امین

یکی دیگر از
کوشش‌های آرونوا،
انتشار فرمان نادرشاه در
سال ۱۷۳۹ م / ۱۱۵۲ هـ
همراه با بررسی و تفسیر
آن است که
مهمترین فهرست
مالیات‌ها و وظایف
کشاورزان در آن
گنجانده شده است

مشکلات کشاورزی،
وضع اقتصادی دهقانان،
مسأله زمینداری فتودالی و
سایر مسائلی که با
بحران اقتصادی ایران
در دوره فتودالیسم «دیررس»
ارتباط دارد در پژوهش‌های
مورخان شوروی سابق حلقه اصلی و
مرکزی را تشکیل می‌دهد

پژوهش‌های تاریخی کوانف (Cucanov, N. G) و
میکریتچیان (Micritichian L. ch. Ter) به مسأله
نقش بازرگانان ارمنی در حیات اقتصادی دولت صفوی
اختصاص یافته است.^{۵۲}

کوانف این چنین نتیجه گرفته است که «تمامندگان
سرمایه‌های بزرگ ارامنه طی نیمه اول قرن هفدهم زیر
سیاست‌های حمایت‌گرایانه دولت صفوی ثروت‌های
انبوهی را بدست آوردند و همراه با فتودال‌ها و خان‌های
ایرانی در به اسارت درآوردن اهالی شهر و روستا شرکت جستند».^{۵۳}

محققان شوروی برای روشن ساختن اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی
شهرهای دولت صفوی کوشش‌های فراوانی کرده‌اند. از جمله می‌توان از
کسانی همچون کوتسیا (Cuchia, K. k) آقاجانف (Agajanov, S. G)
علی اوف (Aliyev, S)، پناهیان (Panahian, A) و دیگران نام برد.^{۵۴}
درباره این موضوع انتشار منابع بخصوص یادداشت‌های سیاحان روسی از
ارزش فراوانی برخوردار است.^{۵۵} کتاب تاریخ ایران از دوران باستان تا اواخر
قرن هیجدهم که در سال ۱۹۵۸ انتشار یافته یکی از اساسی‌ترین مطالعات
پژوهشگران شوروی درباره سلطنت صفویان است. مؤلفان این اثر،
پطروشفسکی، یاکوبوفسکی، ییکولوسکایا، استرویوا و بلیتسکی بر پایه منابع
و مطالعات، شکل مناسبات ارضی دولت را ترسیم کرده و نقش کوچ‌نشینان
نظامی و دیوانسالاری شهری و وضع صنعت و تجارت ایران را تشریح
نموده‌اند. آنها نشان می‌دهند که اساس قدرت دیوان‌سالاری و بوروکراسی
دولتی را افزایش بودجه دولت یا اراضی دیوانی و افزایش نفوذ خاندان شاه
پس از اصلاحات شاه‌عباس یکم تشکیل می‌داده است.^{۵۶} در این تحقیق،
چگونگی اخذ مالیات و نقش کوچ‌نشینان در حیات اجتماعی و اقتصادی
کشور از جایگاه مهمی برخوردار است. مؤلفان همچنین علل و عوامل
سقوط دولت صفوی را بررسی می‌کنند. نخستین علائم سقوط دولت اگر
نگوئیم زودتر باید گفت که از سال‌های هفتاد قرن هفدهم تعقیب و تحقیق
شده است.^{۵۷} پژوهش‌های دهه شصت در شوروی بیشتر با تحلیل مفصل
مضمون اشکال وابستگی کشاورزان و صنعتگران و نیز تشریح سیاست
مالیاتی و تأثیر آن بر گروه‌های گوناگون جمعیت ارتباط دارد.

تاریخ جنبش‌های مردمی در پژوهش‌های تنوریک - تاریخی از جایگاه
مهمی برخوردار است. مجموعه‌ای از پژوهش‌های صفویه‌شناسان شوروی
به موضوع جنبش‌های رهایی‌بخش دوره سقوط صفویان و تجزیه ایران
اختصاص یافته است. تحقیق آروتانیان (Arutanian P. T) تحت عنوان
جنبش‌های رهایی‌بخش مردم ارمنی در اوایل نیمه نخست قرن هیجدهم
در این میان مقام نخست را داراست. نویسندگان بخش‌های مهم زندگی
مردم ارمنی در ارمنستان را مورد توجه قرار داده و کوشیده است تا مشکلات
کشاورزان را که در اثر استثمار «فتودال‌های ایرانی» بر آنان تحمیل شده
بود نشان دهد. وی همچنین مسأله زمینداری بزرگ راهبان ارمنی را
بررسی می‌کند. یکی از ویژگی‌های کار آروتانیان کوشش برای اثبات

جنبش‌های مخالف دولت
در مرزهای شرقی صفوی نیز
به عنوان جنبش‌های آزادی‌بخش و
به مثابه علائم بحران
سلطنت صفوی در
پژوهش‌های صفویه‌شناسان شوروی
جایگاه خاصی یافته است

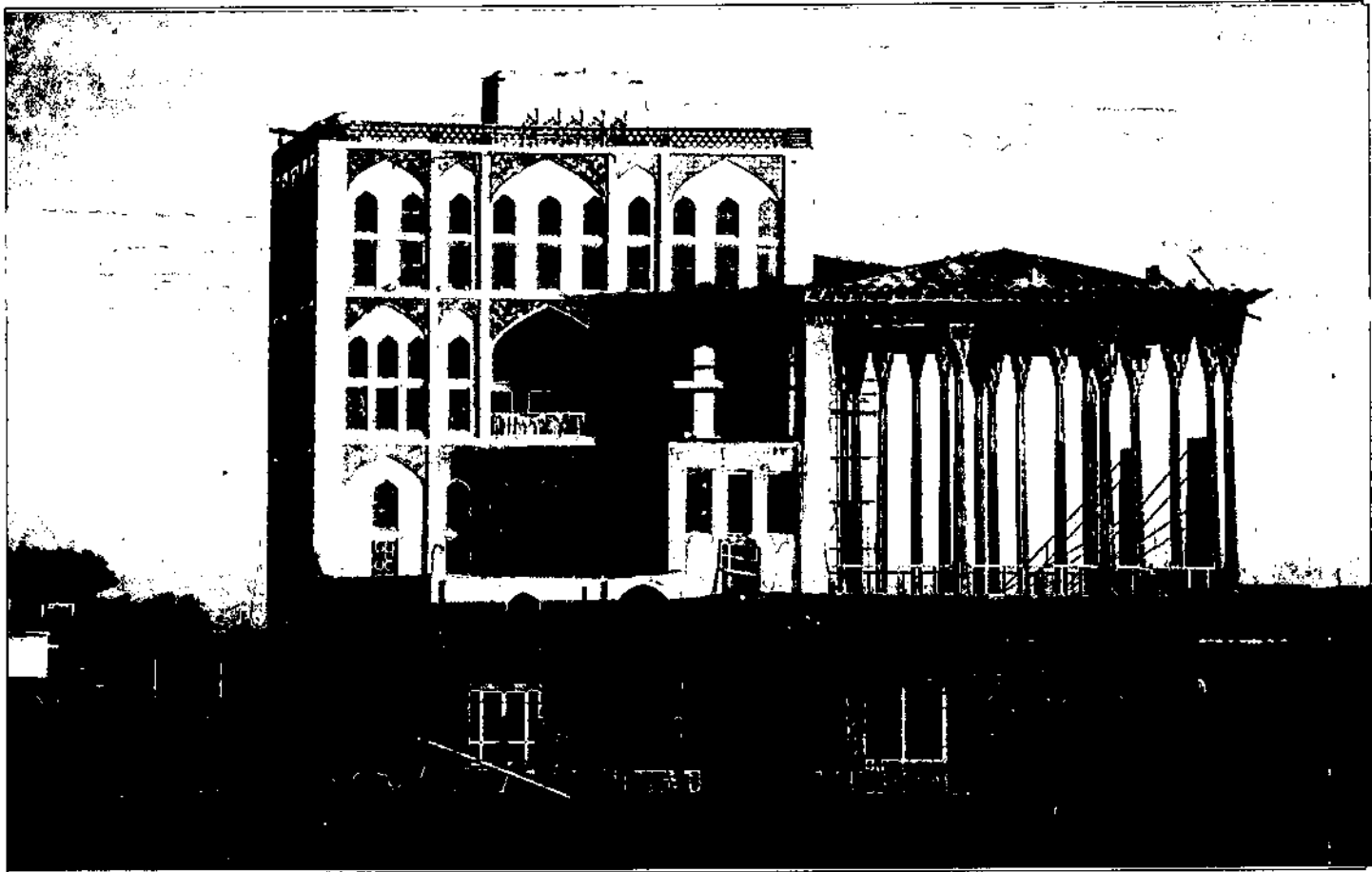
وابستگی دهقانان سرف به مالک زمین می‌باشد.^{۵۸}
آروتانیان ضمن تشریح بحران دولت صفوی به روابط
آشتی‌ناپذیر اشراف کوچ‌نشین با حکومت مرکزی توجه
زیادی کرده و می‌نویسد: «اشراف قبایل کوچ‌نشین همانگونه
که در آغاز حکومت صفویان از نقش مهمی برخوردار بودند
در اواخر دوره آن حکومت نیز اهمیت زیادی داشتند».^{۵۹}
وی با اتکاء و استناد به اسناد و مدارک می‌کوشد تا تجزیه
سیستم اداری و نظامی ایران صفوی را نشان دهد.

از دیگر کارهایی که به بررسی «جنبش‌های آزادی‌بخش مردمی در
قفقاز علیه اشراف ایرانی» اختصاص یافته پژوهش تامای^{۶۰} (Tamay, A)
و علی‌اوف^{۶۱} (Aliyevph, M) و دیگران است. بررسی علی‌اوف متضمن
تشریح بحران اقتصادی دولت و وضع دهقانان و شهرنشینان در آذربایجان
در ارتباط با افزایش مالیات‌هاست. وی کوشیده تا داده‌ها و اطلاعاتی جدید
در باب تظاهرات ضد دولت صفوی در آذربایجان ارائه کند.

جنبش‌های مخالف دولت در مرزهای شرقی صفوی نیز به عنوان
جنبش‌های آزادی‌بخش و به مثابه علائم بحران سلطنت صفوی در
پژوهش‌های صفویه‌شناسان شوروی جایگاه خاصی یافته است. خانم
آرونوا (Armnova M. P) در پژوهش‌های خود مبارزه قبایل در قندهار
که موجب تشکیل شیخ‌نشین مستقل در سال ۱۷۰۹ م (۱۱۲۱ هـ) گردید
را تشریح کرده است. او به جنبه مذهبی و ایندولوژیکی مبارزه نیز توجه
کرده و به تأثیر انگیزه مذهبی در انگیزه مضاعف قبایل برای مبارزه
ضد دولتی می‌پردازد.^{۶۲} در یکی از کارهای آرونوا شورش هرات در سال
۱۷۳۲-۱۷۱۶ م (۱۱۴۵-۱۱۲۸ هـ) که در نتیجه افزایش زیاده از حد ستم
مالیاتی و ورشکستگی دهقانان و شهرنشینان به وقوع پیوست مورد
بررسی و تحلیل قرار گرفته است.^{۶۳}

کتاب دوجلدی تاریخ افغانستان نوشته ماسون (Masson, V. M)
و رومادین (Romadin V. A) برای پژوهشگران تاریخ صفویان
اهمیت بسیاری دارد.^{۶۴} همچنان که مقاله گانگوفسکی (V.
Gancovsciy) تحت عنوان تاریخ محاصره قندهار از طرف نادرشاه
افشار در سال ۱۷۳۷-۱۷۳۸ م (۱۱۵۱-۱۱۵۰ هـ) از این نظر قابل توجه است
که مؤلف آن بر اهمیت گواهی‌ها و شواهد روسی درباره تاریخ افغانی‌های
آن زمان تأکید می‌ورزد. این منابع می‌تواند برای ایضاح مشکلات اجتماعی
و اقتصادی تاریخ شیخ‌نشین قندهار مورد استفاده قرار گیرد.^{۶۵} همچنانکه
در بررسی وضعیت سخت تاجیک‌ها و خزری‌ها که بخش عمده جمعیت
قندهار را تشکیل می‌دادند و مالیات زیادی که به دولت صفوی و سپس به
خود ولایت‌نشین قندهار می‌پرداختند بکار می‌آید.^{۶۶} کشف علل سقوط
ایالت قندهار در سال ۱۷۳۸ م (۱۱۵۱ هـ) به فهم فرآیندهای اجتماعی دوره
تجزیه دولت صفوی که قبایل افغانی درگیر آن بوده‌اند کمک زیادی
می‌کند.

بدین ترتیب حل مشکلات مربوط به سقوط دولت صفوی در



در این کتاب اشاره‌ی درستی هم به این موضوع می‌شود که از آغاز نیمه دوم قرن هفدهم انحطاط شهرهای ایران بروز می‌کند که علل و عوامل آن خیلی کم مطالعه شده است.^{۳۸} کارهای بعدی پژوهشگران شوروی به تحلیل تشکیل اقتصاد کشاورزی، بررسی وضعیت قشرهای مختلف مردم ایران و بیش از همه مردم شهرها معطوف شده است تا مقدمات و موجبات پیشرفت سرمایه‌داری در این کشور را روشن سازد. بررسی و مطالعه زندگی اقتصادی در اراضی جوامع کلیسایی (و بیش از همه مراکز دینی تشیع) دلایل تازه‌ای را در باب رشد املاک زمینداری بدست خواهد داد. مطالعه ناحیه‌ای زندگی قبایل کوچ‌نشین، امکان ارتباط متقابل بخش یکجانشینی و صحرائشینی در ایران را فراهم خواهد ساخت. پژوهشگران شوروی سابق در دهه هفتاد کوشیده‌اند تا با گردآوری و ارائه داده‌ها و فاکت‌های تازه‌ای، مبارزات «ضد فئودالی» و «آزادی‌بخش مردمی» در مقطع ظهور بحران عمیق در دولت صفوی در نیمه دوم قرن هفدهم و آغاز قرن هیجدهم را تشریح و تبیین کنند. آنان بر این باور بودند که بررسی‌ها و جمع‌بندی‌های بیشتر در این زمینه، امکان ارائه صورت کامل‌تر نظام اجتماعی و اقتصادی ایران را در عصر ماقبل سرمایه‌داری ایجاد می‌کند.

**برای ایضاح
مناسبات ارضی و
کشاورزی در ارمنستان،
انتشار منابع فارسی
ماتناداران نقش مهمی دارد.
پا‌پازیان در این زمینه نیز
کوشش‌های فراوانی
کرده است،
چنانکه انتشار دو جلد از
اسناد ماتناداران
مرهون تلاش‌های
اوست**

پژوهش‌های محققان شوروی سابق با موضوعاتی همچون رشد تولیدات صنایع کشاورزی و وضع گروه‌های اجتماعی در روستاهای ایران، نقش شهرها و حیات شهری، ترکیب اجتماعی و نتایج جنبش‌های آزادی‌بخش مردم پیوند می‌یابد. در اوایل دهه هفتاد میلادی مسأله رشد تطبیقی کشورهای شرق و غرب توجه زیادی را در میان محققان شوروی برانگیخت. ایران‌شناسان و افغان‌شناسان شوروی سابق در این راه کوشش بسیاری کرده و با توجه به «شیوه تولید آسیائی» (Mode of Production Asiatic) که مسیر تک‌خطی تاریخ جوامع بشری را در دوران فرماسیون‌های برده‌داری و فئودالی نقض می‌کرد و نظریه رسمی اتحاد شوروی را به چالش می‌کشید تلاش کردند تا مشکلات عام و خاص پیشرفت تاریخی کشورهای شرق را بررسی کنند و در پایان به این نتیجه رسیدند که اشکال مختلف فرمانروایی فئودالیستی در کشورهای آسیائی از ثبات و پایداری بسیاری برخوردار بوده است. محصول مذاکرات پژوهشگران شوروی، که کوششی برای نجات نظریه تک‌خطی و دیالکتیکی - ماتریالیستی تاریخ هم محسوب می‌شد بدین صورت اعلام گردید که: «ما هرچه بیشتر بررسی و مطالعه می‌کنیم، وجوه مشترک و عمومی مراحل طی شده توسط بشر در طول تاریخ جهانی، بیشتر خود را برای ما نمایان می‌سازد.»^{۳۷}

یکی از آثار مهم در زمینه تاریخ در اواخر دهه شصت، انتشار یک مجموعه سه‌گانه (تریلوژی) تحت عنوان جنبش‌های آزادی‌بخش مردمی در آسیا و آفریقا (۱۹۶۸-۱۹۶۷) است. بخش اول این پژوهش در کتابی بنام عصر مبارزه نابرابر (۱۹۶۷) چاپ شده است. در این کتاب تشریح مسائل ایران در قرون شانزده تا هیجده میلادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. گرایش به گسترش املاک شخصی فئودالی، تحول و پیشرفت‌هایی که در برخی از شهرهای ایران بوجود آمده بود مانند ایجاد کارگاه‌های بزرگ بافنده تولید رنگ‌های گیاهی، تولیدات چرمی، کاغذ، شیشه و سایر کالاها و مسأله تقسیم کار از جمله مسائلی است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. نتیجه‌گیری آن نیز اینچنین است که گرچه تولیدات صنعتی در ایران قرون شانزده و هفده به میزان تولیدات سرمایه‌داری یعنی مانوفاکتوری نمی‌رسید اما در همین مسیر در حال پیشرفت بود.^{۳۸}

پی‌نوشت‌ها:

۱- Dialectic Historic یا Dialectic Materialism

۲- Social -Economic Formation

۳. مقاله حاضر با اقتباس از مقاله «آراء مورخان شوروی در باب علل بحران‌های اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره حکومت صفویان» نوشته ن. م. سوخاروا نگارش یافته است. برای اصل روسی مقاله مراجعه کنید به:

مجموعه مقالات، انبار کمال هیئت‌تحریریه ادبیات شرقی، مسکو، ۱۹۷۱. از آقای الخان قلی‌اف دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشگاه تربیت‌مدرس، به خاطر ترجمه مقاله به فارسی سپاسگزارم.

۴-Lockhart L., The Fall of the safavi Dnasty

on the Afghan occupation of: perisa, Newyork, cambridge, ۱۹۵۸

۵- لارنس لاکهارت: انقراض سلسله صفویه، ترجمه دکتر اسماعیل دولتشاهی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۴.

۶- به عنوان نمونه بنگرید به: نصرالله فلسفی: تهران، بی‌تا.

۶-Dickson M. B., The Fall of the safaviDinasty, 'Journal of the American oriental society', Vol. ۷۲, ۱۹۲, No۴, P. ۵-۳.

۷- والتر هینتس، محقق آلمانی، در بررسی علل تکوین دولت صفوی، اساساً بر جنبه مذهبی آن تأکید ورزیده است بنگرید به:

Hinz W., Yrans aufstieg Zum nationalstai in fung zehnten yahrhundert, Berlin undleipzig, ۱۹۳۶, P.۱۲

این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه و منتشر شده است:

والتر هینتس، تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه کیلوس جهانناری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۳۶، چاپ اول.

۸- زاخار: تاریخ شرق قرون وسطی (خلافت و شرق نزدیک)، مسکو، ۱۹۳۴، فصل «سقوط دولت صفوی»، صص ۱۴۸-۱۴۷ و نیز همان مؤلفه تاریخ جهان.

۹- پطروشفسکی: «شرق میانه نزدیکه تاریخ فرهنگه ماخذشناسی»، مجموعه مقالات به افتخار هفتمین سالگرد پروفیسور پطروشفسکی، مسکو، ۱۹۶۸ م.

۱۰- این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه و منتشر شده است:

ایلیا پولویچ پطروشفسکی: کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد منول، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات نیل، ۱۳۵۷، چاپ سوم.

۱۱- پطروشفسکی، «شورش صنعتگران و طبقه فقیر شهری در تبریز در سالهای ۱۵۷۳-۱۵۷۱» در «تاریخ آذربایجان» و نیز «شورش مردمی در گیلان در سال ۱۶۲۹» با ترجمه فارسی از متن کتاب تاریخ گیلان قومی (همانجا).

۱۲- این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه و منتشر شده است: ایلیا پولویچ پطروشفسکی: اسلام در ایران (از هجرت تا پایان قرن نهم هجری)، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۴، چاپ چهارم.

۱۳- پطروشفسکی: رساله‌ها درباره تاریخ مناسبات فتودالی در آذربایجان و ارمنستان در اوایل قرن پانزدهم تا قرن شانزدهم.

۱۴- البته بوده‌اند برخی پژوهشگران که طرح ارائه شده از سوی پطروشفسکی را برای تبیین و توضیح پاره‌ای روندها در تاریخ فتوالیسم کشورهای شرق نزدیک ناکافی دانسته و بر پژوهش‌های عمیق‌تر و مشخص‌تری تأکید می‌ورزیدند از جمله: نادر انزه ا. Nadiradze: مسائل نظام اجتماعی و اقتصادی دولت‌های غرب و خلفا در تاریخ‌نگاری شوروی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی فتوالیسم در کشورهای شرق (رساله‌های تاریخ‌نگارانه)، مسکو، ۱۹۶۹ م.

۱۵- سخنرانی‌ها و گزارش‌های دانشکده تاریخ دانشگاه دولتی مسکو، مسکو.

۱۶- همان، ص ۶۷.

۱۷- همان، ص ۶۴.

۱۸- ریسنز: عصر مبارزه نابرابر، مسکو، ۱۹۶۷، ص ۴۳۰.

۱۹- اشرفیان (Ashraphian, K. Z.): «سقوط قدرت صفوی در سال‌های ۱۷۲۲-۱۵۰۲ م» در رساله‌هایی درباره تاریخ نوین کشورهای شرق میانه، مسکو، ۱۹۵۱، ص ۱۸۸.

۲۰- میکولوخوماکالی: «تاریخ حاکمیت افغانها در ایران در دهه بیستم قرن هیجدهم» در «یادداشت‌های علمی دانشگاه دولتی لنینگراد» مجموعه علوم شرق‌شناسی، شماره ۱۷۹ و نیز میکولوخوماکالی: «صرف اراضی ایران از سوی افغانها (۱۷۳۰-۱۷۲۲ م)»، تاشکند ۱۹۴۵ م.

۲۱- همان، ص ۱۲۹.

۲۲- همان، ص ۱۴۹.

۲۳- میکولوخوماکالی: «شیع و چهره اجتماعی آن در ایران طی قرون پانزدهم تا هفدهم» در مجموعه مقالات به افتخار یانود آکامیک کروشففسکی، لنینگراد ۱۹۵۸ م.

۲۴- این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه و منتشر شده است:

م. ر. آرونوا: ک. ز. اشرفیان: دولت نادرشاه افشار، ترجمه حمید مؤمنی، تهران، انتشارات شبگیر، ۱۳۵۶، چاپ دوم.

برای نقدی بر این کتاب بنگرید به:

دکتر رضا شهبانی، نقدی بر کتاب «دولت نادرشاه افشار» ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد تابستان ۱۳۶۲.

۲۵- م. ر. آرونوا: رشد استعمار فتودالی و مبارزه توده مردم ایران در سالهای سی و چهل قرن هیجدهم، لنینگراد ۱۹۵۶ م.

۲۶- آرونوا: فرمان نادرشاه «شرق‌شناسی صفوی، ۱۹۵۸، شماره ۲؛ و نیز از همان مؤلف: فرمان نادرشاه افشار (۱۷۳۷-۱۷۳۶) به عنوان منبع تاریخ مسکو، ۱۹۶۰ م، بیست و پنجمین کنفره بین‌المللی شرق‌شناسان، سخنرانی‌های نمایندگان شوروی، ص ۹-۱۰.

۲۷- پایزبان: روابط کشاورزی در خانات ایروان در قرن هفدهم، ایروان، ۱۹۵۳ (رساله کاندیدی علوم تاریخی).

۲۸- همان، ص ۲۶؛ و نیز: «معنی فنی اصطلاحات مالیاتی» «مالوجهات» روزنامه ایزوستیا، ارمنستان، شماره ۲.

۲۹- پایزبان: روابط کشاورزی، پیشین، ص ۲۶.

۳۰- همان، ص ۲۸.

۳۱- پایزبان: «اسناد فارسی ماتاناران فرامین» (قرن ۱۶-۱۵)، چاپ دوم، ایروان، ۱۹۵۶.

۳۲- همان، ص ۳۷۱.

۳۳- همان، ص ۲۹۱-۲۹۲.

۳۴- رجوع شود به: پایزبان: اسناد رسمی فارسی و عربی و ترکی ماتاناران در قرون چهاردهم تا نوزدهم و اهمیت آنها برای بررسی وضع زندگی اجتماعی و اقتصادی کشورهای شرق نزدیکه مسکو، ۱۹۶۰.

پژوهش‌های تاریخی کوکائف و میکرویتچیان به مسأله نقش بازرگانان ارمنی در حیات اقتصادی دولت صفوی اختصاص یافته است

پژوهش‌های دهه شصت در شوروی بیشتر با تحلیل مفصل مضمون اشکال وابستگی کشاورزان و صنعتگران و نیز تشریح سیاست مالیاتی و تأثیر آن بر گروه‌های گوناگون جمعیت ارتباط دارد

مجموعه‌ای از پژوهش‌های صفویه‌شناسان شوروی به موضوع جنبش‌های رهایی‌بخش دوره سقوط صفویان و تجزیه ایران اختصاص یافته است

۲۵- رجوع شود به: کوکایین (Kulagin, L. M.) خلاصه ادبیات شوروی همراه با تاریخ ایران طی سال‌های ۵۸-۱۹۵۶، اطلاعات مختصر دانشگاه شرق‌شناسی، مسکو، ۱۹۶۰ م؛ کوکایین و کوزنچف (Kuznechov N. A.): ایران‌شناسی در شوروی، مسکو، ۱۹۶۲ م؛ استروو (Struve V. V.) شرق‌شناسی شوروی طی چهل سال، مسکو، ۱۹۷۰ م.

۲۶- بلووا (Belova N. K.): برخی از مسائل شهری ایران قرون وسطی در تاریخ‌نگاری شوروی، کنفره علمی بین‌دانشگاهی درباره تاریخ کشورهای آسیا و آفریقا در تاریخ‌نگاری شوروی، مسکو، ۱۹۶۶، ص ۴۹.

۲۷- کوزنچف: «تاریخ مملکتی که تولیدات صنعتی شهرهای ایران در آغاز قرن هفدهم تا قرن نوزدهم را تشریح می‌کند» یادداشت‌های علمی دانشگاه شرق‌شناسی، مسکو، ۱۹۵۹، صص ۷۸-۸۰.

۲۸- همان، ص ۱۰۸؛ و نیز: اشرفیان و کوزنچف: «ایران در نیمه قرن هفدهم و قرن هیجدهم» تاریخ جهان، ج ۵، مسکو، ۱۹۵۸، ص ۲۸۸.

۲۹- حیدراوف: «تولیدات صنعتی در شهرهای آذربایجان در قرن هفدهم» باکو، ۱۹۶۷؛ و نیز: حیدراوف: «تاسیس و رشد کارگاه‌های بزرگ صنعتی در شهرهای ایران صفوی در قرن هفدهم» در «درباره تاریخ پیشانی سرمایه‌داری در کشورهای شرق»، مسکو، ۱۹۶۲.

۳۰- حیدراوف: «تولیدات صنعتی در...» ص ۱۱۹-۱۱۷.

۴۱- همان، ص ۱۱۹.

۴۲- همان، ص ۱۲۸.

۴۳- همان، ص ۱۴۷.

۴۴- همان، ص ۱۵۲.

۴۵- همان، ص ۱۵۲.

۴۶- همان، ص ۱۸۱.

۴۷- همان، ص ۱۸۲.

۴۸- کوتسیا: شهرها و زندگی شهری در ایران صفوی، تفلیس، ۱۹۶۷، صص ۱۶-۱۵.

۴۹- همان، ص ۱۸۰.

۵۰- کوتسیا: از «تاریخ جنبش‌های اجتماعی در شهرهای صفوی» مردم آسیا و آفریقا، ۱۹۶۸، شماره ۲، ص ۷۱.

۵۱- آشورباپلی: رساله علمی درباره «تاریخ باکو قرون وسطی» باکو، ۱۹۶۴، ص ۳۳۹.

۵۲- کوکائف نقش بازرگانان ارمنی در رشد تجارت ایران و روسیه در اواخر نیمه دوم قرن هفدهم (بر اساس مملکت CGADA)، مسکو، ۱۹۶۱؛ و میکرویتچیان-ارمنستان تحت حکومت نادرشاه، مسکو، ۱۹۶۳.

۵۳- کوکائف همان، ص ۲۳.

۵۴- کوتسیا: «مملکتی در ارتباط با اصطلاحات منابع تاریخی، تولد و باج بر اساس اطلاعات نوزبان یعنی مملکت گرجی و فارسی» ملل آسیا و آفریقا، ۱۹۶۵، شماره ۲؛ و آقاجانف: اصطلاحات صنعتی آسیای میانه و ایران، ملل آسیا و آفریقا، ۱۹۶۵، شماره ۴؛ و علی‌اوف-پناهیان: نقش خلیفه در دوره صفویان، ملل آسیا و آفریقا، ۱۹۶۸، شماره ۱.

۵۵- فتودو کاتف (Phedot Katov): بازرگان و گردش او در ایران، مسکو، ۱۹۵۸.

۵۶- پیگولوسکایا (Pigulevskaia N. V.) پطروشفسکی (P. Patrushevscii)؛ یاکوبوفسکی (Yakubovscii, Y.) استروویا (Stroieva, V.) و بلینتسکی (A. M. Belenichisci): تاریخ ایران از دوران باستان تا اواخر قرن هیجدهم، لنینگراد، ۱۹۵۸، ص ۳۷۱. این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه و منتشر شده است:

ن. و. پیگولوسکایا/ا. یو. یاکوبوفسکی/ا. یو. پطروشفسکی/ا. م. بلینتسکی/ا. و. استروویا: تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان قرن هیجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۴، چاپ چهارم.

۵۷- همان، ص ۶۱۱ و در ترجمه فارسی ص ۵۷۳.

۵۸- آرونوا: جنبش‌های رهایی‌بخش مردم ارمنی در نیمه اول قرن هیجدهم، مسکو، ۱۹۶۴.

۵۹- آرونوا: همان، ص ۱۳۱.

۶۰- تامای: تاریخ مبارزه استقلال طلبانه مردم داغستان و آذربایجان، (نیمه اول قرن هیجدهم)، ماخاچکاله، ۱۹۵۱ (رساله کاندیدی)، ص ۷۰.

۶۱- علی‌اوف: جنبش آزادی‌بخش مردمی در آذربایجان در نیمه اول قرن هیجدهم، باکو، ۱۹۶۷ (رساله دکتری) ص ۱۸-۱۶.

۶۲- آرونوا: «تاریخ مبارزه استقلال طلبانه افغانی‌ها و تشکیل دولت افغانی در نیمه اول قرن هیجدهم» اطلاعات مختصر دانشگاه ملل آسیا، مسکو، ۱۹۶۳.

۶۳- آرونوا: «شورش هرات ۱۷۳۲-۱۷۱۶» در «افغانستان مستقل، استقلال چهل ساله» مسکو، ۱۹۵۸.

۶۴- ماسون و رومادین: تاریخ افغانستان، مسکو، ۱۹۶۶-۱۹۶۳.

۶۵- گانگوفسکی: تاریخ محاصره قندهار توسط نادرشاه افشار در سال‌های ۱۷۳۲-۱۷۳۸، اطلاعات مختصر دانشگاه شرق‌شناسی، مسکو، ۱۹۶۰، ص ۲۷۰.

۶۶- همان، ص ۳۳.

۶۷- «مور خاص و عام کشورهای شرقی» در پیشرفت تاریخی، مسکو، ۱۹۶۶، ص ۲۶۳.

۶۸- عصر مبارزه نابرابر، مسکو، ۱۹۶۷، ص ۱۴.

۶۹- همان، ص ۱۲، همچنین رجوع شود به «تاریخ کشورهای خارجی آسیا در قرون وسطی» مسکو، ۱۹۷۰، ص ۵۸۳.